

# رازی که در یک خانه قدیمی فاش می‌شود

فیلم سینمایی «شین» به نویسندگی و کارگردانی میثم کزازی که بعد از سه سال و نیم، فرصت اکران یافته و روی پرده سینماها رفته است، از یک قصه واقعی وام گرفته و با چاشنی خوف و دلهره فضای متفاوتی را پیش روی تماشاگرش می‌گشاید. قصه این فیلم بر مدار این حقیقت که «اثر ظلم در جهان باقی می‌ماند و همیشه فرصت کافی برای جبران در اختیار نداریم»، پیش می‌رود و در ادامه راز خانوادگی اهالی یک خانه قدیمی را برملا می‌کند که در دسرهایی را برای آنها پخته و وجود آورده است. با میثم کزازی نویسنده و کارگردان و فخرالدین صدیق شریف بازیگر این فیلم گفتگو کرده‌ایم که در پرونده امروز روزنامه صبا می‌خوانید.

فاطمه حمیره  
گفت و گو

## میثم کزازی:

### ریسک ساخت فیلم‌هایی نظیر «شین» بالاست

میثم کزازی فیلمساز جوانی است که تجربه ساخت یک تانفیلم با عنوان «نقطه سر خط» که اواخر دهه هشتاد از شبکه پنج سیما پخش شد - و همچنین فیلم سینمایی «چه زود عادت می‌کنیم» - که برنده جایزه بهترین کارگردانی از فستیوال ورونای ایتالیا شد - را در کارنامه هنری خود دارد و در سومین تجربه فیلمسازی خود فیلم «شین» را روی پرده سینماها دارد که فضای متفاوتی را در ژانر دلهره‌آور به تصویر کشیده است. در این فیلم در کنار غزاله نظر و علی شاهمان جمعی از بازیگران پیشکسوت سینمای ایران از جمله جمشید هاشم‌پور، محمود پاک‌نیت، آتش تقی‌پور، حسین عابدینی، محمود بصیری، هوشنگ توکلی، زنده‌یاد سیلک اطلسی و فخرالدین صدیق شریف ایفای نقش می‌کنند و شهاب حسینی نیز علاوه بر ایفای یک نقش کوتاه به عنوان تهیه‌کننده و مشاور کارگردان در این فیلم حضور دارد و کار انتخاب بازیگران را نیز با توافق کارگردان برعهده داشته است.

**چگونه به قصه فیلم «شین» با این فضای دلهره‌آور رسیدید؟ آیا دغدغه تجربه کردن ژانری متفاوت شما را به این سمت سوق داد؟**

دولستان این فیلم واقعی بود ولی دغدغه ما ساختن یک فیلم دلهره‌آور و یا در لحظاتی ترسناک نبود. صرفاً بیشتر قصه این امکان را می‌داد که چاشنی این فیلم را متفاوت‌تر انتخاب کنیم. موضوع اکثر فیلم‌ها در حال حاضر پیرامون اعتیاد و خیلنت می‌چرخد و خواستیم ببینیم کمی از آشپز خانه تولید شیشه و فضای خیانت فاصله بگیرد و فضای متفاوت دیگری را تجربه کند. این قصه آدرس‌هایی را به ما می‌دهد که می‌توانیم از چاشنی دلهره هم استفاده کنیم چون قصه واقعی بود و همین بیشتر جذب‌مان کرد. این قصه یک زیر متن بسیار محکم داشت با این مضمون که اثر ظلم در جهان باقی می‌ماند و همیشه برای جبران کردن وقت نداریم و کل قصه، خطی را داشت که بر جسته بود.

**ژانر وحشت با سینمای دلهره‌در سینمای ایران اخیراً مورد توجه فیلمسازان قرار گرفته است اما چرا فیلمسازان با توجه به جذابیت‌های این ژانر کمتر سراغ آن می‌روند؟**

ما هر کدام اصالتاً اهل یک شهر و استانی هستیم اما در وهله اول لهجه‌مان را پنهان می‌کنیم و لباس محلی خود را قطعاً نمی‌پوشیم. همه شکل هم حرف می‌زنیم و شکل هم لباس می‌پوشیم، همه از یک مدل جراحی بینی استفاده می‌کنند یا یک مدل لباس که مد می‌شود استفاده می‌کنند و برای همین فیلم‌های ما هم شکل هم است. مثلاً اصغر فرهادی مدلی فیلم می‌سازد و بعد بیست تا شبیه آن ساخته می‌شود و مخاطبان هم به همین دلیل نمی‌توانند فضاهای متفاوتی را تجربه کنند. همه از مسخر شدن می‌ترسند و ممکن است که ببینند هم پس‌بازد اما با این وجود هیچ اشکالی ندارد... ما ریسک خودمان را کرده‌ایم اما فضای متفاوتی را در فیلمسازی داشته‌ایم. در سینمای ما فرمول موفقیت و پول‌سازی ثابت است. ولی مگر قصه‌های ما فقط همین هستند؟ این توهین به مخاطب است حتی اگر فیلم کم‌دی شصت میلیاردی هم بسازند می‌بینیم که مجموعه و گلچینی از شوخی‌های فیلم‌های قبلی را در فیلم جدیدشان گنجانده‌اند و باز هم میلیاردی می‌فروشند چون مخاطبان گزینه دیگری برای تماشا ندارند. من نمی‌خواهم ادعا کنم فیلم خوبی ساخته‌ام ولی حداقل تلاش کرده‌ام فیلم متفاوتی بسازم. این یک واقعیت است که عمده فیلم‌های حال حاضر سینمای ایران یا زیر پوست شهر می‌گذرد که حول چاقو‌کشی، خیلنت و اعتیاد است یا کم‌دی‌هایی است که خانواده‌ها و یک پدر و دختر شرم می‌کنند کنار هم آن را تماشا کنند. اگر به ما اعتماد کنند و مخاطب حمایت کند ما هم می‌توانیم سراغ فرمول‌های پول‌ساز نویم و فیلم‌های متفاوت‌تری بسازیم و با حمایت



دارند و برای همین در جذب سرمایه به مشکل بر نمی‌خورند. من مشکل جذب سرمایه را داشتم که خدا را شکر حل شد. فیلم به سرانجام رسید و تولدش در این و فضا اکران عمومی بگیریم.

**شما علاوه بر کارگردانی، نویسندگی فیلمنامه را هم خودتان برعهده داشتید، در باره اهمیت فیلمنامه در مسیر فیلمسازی بگویند و این که سینمای ما به لحاظ فیلمنامه‌نویسی در چه شرایطی است؟**

ما آغوش‌مان به روی فیلمنامه‌های خوب همیشه باز است و فکر می‌کنیم تنها راه نجات سینمای ما فیلمنامه خوب است. روی بیابوردهای تبلیغاتی عکس بیست تا بازیگر هست اما کسی دلش نمی‌خواهد آن فیلم را ببیند مگر این که کسی پیشنهاد کند و این از یک فیلمنامه خوب برمی‌آید. ما گنجینه‌های خوب و غنی از قصه‌ها در ادبیات و فرهنگ عامه خودمان داریم اما جای دیگری سیر می‌کنیم و زمان کافی برای نوشتن فیلمنامه‌ها صرف نمی‌کنیم. هر خولنده و موزیسینی گاهی به طور مثال هر هشت سال، ده سال یک بار آلبوم بیرون می‌دهد و اثری ملنگار از خودش به جامی گذارد اما عده‌ای هر هفته یک آهنگ منتشر می‌کنند که به یاد نمی‌ماند. برای ارایه یک اثر هنری باید تجربه زیسته داشته باشیم، ایده‌ها چکش کاری شود و خوب پخته شود و بعد به مخاطب ارائه کنیم. نمی‌شود که هر سال در جشنواره فیلمی داشته باشیم ولی برخی دو تا فیلم هم می‌سازند و این تعجیل روی کیفیت کار اثر می‌گذارد. معتقدم باید قصه یک

مخاطبان است که ما می‌توانیم به شکل حداقلی به بقایمان ادامه دهیم و سبب متنوع‌تری از فیلم‌های متفاوت را پیش روی او قرار دهیم و به شعور و چشمان مخاطبان هم احترام بگذاریم.

**چطور در ساخت فیلم به این ترکیب از بازیگران قدیمی رسیدید؟**

قصه این فیلم در چهل سال پیش اتفاق می‌افتد و چون سن قصه بالاتر می‌رود ما از پیشکسوتانی استفاده کردیم که بر ایمان جذاب‌ند و تصمیم گرفتیم به این سمت حرکت کنیم. بازیگران بسیاری هستند که با آنها خطر داریم از هوشنگ توکلی، جمشید هاشم‌پور و دیگری که همه پیشکسوتان ما هستند اما سینمای ما در حال حاضر فقط دست چند جوان بازیگر است که در همه فیلم‌ها حضور دارند. محمود بصیری در این فیلم نقشی رایازی می‌کند در حالی که ما چندین سال است که او را در هیچ فیلمی ندیده‌ایم. حدود ۱۰ سال بیکار بود و بعد از آن هم هیچ کس در این سال‌ها یاد از او نمی‌کرد. بازیگران فیلم را شهاب حسینی انتخاب کرد و من هم با این انتخاب‌ها کاملاً موافق بودم چون نیتی که داشت کاملاً صحیح بود. در این فیلم دوربین به هر سمتی که می‌چرخد بازیگری را می‌بینیم که با او خاطر داریم نه بازیگرانی که همیشه در همه فیلم‌ها دیده می‌شوند.

**چه جلس‌هایی در مسیر تولید این فیلم داشتید؟**

جذب سرمایه برای این فیلم‌ها که ریسک تولید و اکران آن بالاست کار بسیار سختی است. فیلم‌های کم‌دی کف فروش و تضمین فروش